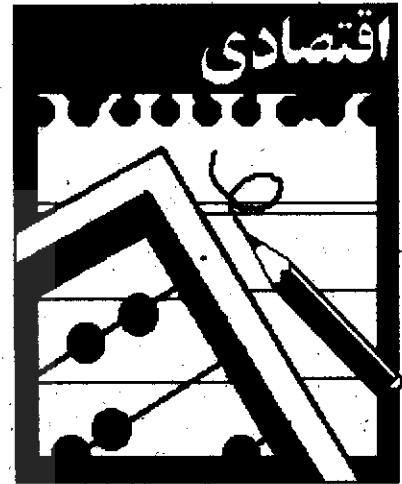


## کنکاشی برای دستیابی به حقایق



لایحه بودجه سال ۱۳۷۶ کل کشور که هم اینک در مجلس شورای اسلامی مراحل بررسی را طی می‌کند حاوی همان مضامین و اعداد و ردیف‌هایی است که ساختار بودجه‌های سالهای اخیر کشور را تشکیل می‌داده است. در واقع، در این بودجه جز ارقام کلان‌تر شده درآمدها و هزینه‌ها، گسترش دامنه برخی دستگاههای مصرف‌کننده اعتبارات (از جمله شرکت‌های دولتی) و جایجانی پاره‌ای از منابع درآمدها و هزینه‌ها تغییر عمده‌ای نسبت به بودجه سال ۱۳۷۵ قابل مشاهده نیست.

اگر بودجه سال ۱۳۷۶ بدون انجام تغییرات بنیادین در مجلس شورای اسلامی به تصویب برسد، همچون بودجه سال قبل (و سالهای قبل) تورم‌زا خواهد بود. برخی از دلایل تورم‌زا بودن این بودجه در بخشهای بعدی این سلسله تحلیل‌ها از سوی کارشناسان ماهنامه بررسی شده است، اما در این جا به اختصار اشاره می‌شود که عملکرد بودجه مورد بحث در مقایسه با بودجه سال جاری ۳۵ درصد رشد دارد ولی رشد درآمدهای دولت ۳۴/۱ خواهد بود. از طرفی در لایحه بودجه تقدیمی رشد هزینه‌های اجتماعی بسیار بالاتر از رشد هزینه‌های عمرانی- اقتصادی (مولد) است.

برای مشخص شدن موضوع باید تذکر داد در حالی که منابع مالی اختصاص یافته برای آموزش و پرورش ۴۴/۴ درصد، آموزش عالی ۳۵/۸ درصد، امور دفاعی ۴۴/۱ درصد، بهداشت ۴۷ درصد، مسکن و عمران شهری ۷۵ درصد و فرهنگ و هنر ۵۰ درصد رشد نشان می‌دهد، این رشد برای هزینه‌های عمرانی کمتر از ۲۹ درصد است؛ و تازه برای تأمین منابع مالی طرح‌های عمرانی، دولت تصمیم دارد (در صورت تصویب) فقط یک قلم دو هزار و دویست و پنجاه میلیارد ریال نیز اوراق مشارکت منتشر کند. و این رقم هم فقط یکی از منابع تأمین اعتبار برای اجرای طرح‌های عمرانی است.

در موضوع درآمدها، تدوین‌کنندگان لایحه تکیه اصلی را بر افزایش وصولی‌های مالیاتی قرار داده‌اند. آقای رئیس‌جمهور هنگام تقدیم لایحه بودجه در این باب اظهار کرد: «تأکید اساسی در بخش درآمدها بر درآمدهای مالیاتی است. در سال ۱۳۷۶ درآمدهای مزبور در چارچوب هدف‌های کمی تعیین شده در برنامه دوم معادل هیجده هزار و سیصد و هشتاد و شش و نیم میلیارد ریال برآورد شده است که نسبت به پیش‌بینی عملکرد سال جاری بالغ بر ۶۰ درصد افزایش نشان می‌دهد. افزایش درآمدهای مالیاتی در سال ۱۳۷۶ عمدتاً به دلیل انتقال ما به التفاوت‌های دریافتی سازمان حمایت مصرف‌کنندگان و تولیدکنندگان و درآمد قانون شوراهای آموزش و پرورش به درآمدهای مالیاتی و همچنین افزایش مالیات بر شرکتهای، واردات و مصرف و فروش است که تحت تأثیر گسترش فعالیت‌های تولیدی و بازرگانی حاصل خواهد شد. در سال ۱۳۷۶ مالیات‌ها به طور خالص ۱۹/۲ درصد نسبت به سال جاری رشد خواهد داشت.»

گرچه این نکته که از لحاظ حسابداری عمومی کشور چگونه می‌توان توجیه کرد یک سال درآمدهای سازمان حمایت مصرف‌کنندگان و تولیدکنندگان و درآمد موضوع قانون شوراهای آموزش و پرورش [در درصد فروش کارخانه‌ها] جزو درآمد مالیاتی منظور

نگردد و سال بعد منظور گردد، جای بحث و بررسی دارد، اما از آن در می‌گذریم و فقط به طرح این سؤال اکتفا می‌کنیم اگر وزارت دارائی قانوناً موظف به وصول درآمدهای مالیاتی تعیین شده در قانون مالیات‌ها است پس چرا دستگاه‌های دیگری هم وجود دارند که سرگرم وصول انواعی دیگر از مالیات‌ها هستند و حجم دریافتی‌های آنان نیز چنان بالاست که انتقال ارقام وصول شده دو فقره از آنها به ردیف درآمدهای مالیاتی، ۴۰/۸ درصد از افزایش ۶۰ درصد درآمدهای مالیاتی دولت را در سال آینده پوشش می‌دهد. اگر در نظر بگیریم دستگاه‌های دیگری نیز هستند که انواع دیگری از مالیات‌های مستقیم و غیرمستقیم را دریافت می‌کنند (مثل دریافت یک درصد فروش کارخانه‌ها به وسیله شهرداری‌ها) آنگاه درخواهیم یافت ساختار نظام مالیاتی، و منابع تأمین درآمدهای دولت و سازمان‌های وابسته‌اش تا چه اندازه پیچیده و متنوع است.

می‌دانیم دریافتی‌های سازمان حمایت، دو درصد قانون شوراهای آموزش و پرورش، یک درصد شهرداری‌ها و... عموماً از مصرف‌کننده دریافت می‌شود. بدین لحاظ می‌توان گفت در سال جاری نیز، مانند گذشته، عمده‌ترین تأمین‌کنندگان درآمدهای مالیاتی دولت همان گروه‌هایی هستند که کمترین درآمدها را دارند و بیشترین فشار ناشی از تورم را تحمل می‌کنند.

یکی از نکاتی که توجه نمایندگان مجلس شورای اسلامی به آن می‌تواند بودجه سال ۷۶ را به سمت تأمین عدالت اجتماعی متمایل کند دقت در همین موضوع، یعنی نحوه تأمین درآمدهای مالیاتی دولت است. (نارسانیه و ناسامانیهای حاکم بر نظام مالیاتی کشور طی تحلیلی زیر عنوان «مالیات؛ توسعه و عدالت اجتماعی...» در شماره ۵۸ آذر ۷۴ همین ماهنامه مورد بررسی قرار گرفته و علاقمندان را به آن ارجاع می‌دهیم)

برای آن که اهمیت تغییرات در نحوه تأمین درآمدهای مالیاتی (به میزان ۶۰ درصد نسبت به سال

جاری) درک شود ناگزیر بزم فزاینده‌ای از بندهای میانی تبصره هشت لایحه بودجه سال ۱۳۷۶ را مرور کنیم. مضمون این فرازا عبارت است از:

۱... در سال ۱۳۷۶ تولیدکنندگان و ارائه‌دهندگان خدمات (اشخاص حقوقی) و همچنین واردکنندگان کالا (اعم از اشخاص حقیقی و حقوقی) مکلفند دو درصد قیمت نهائی فروش کالا و خدمات مذکور به مصرف‌کنندگان (شامل سهم سهامان حمایت مصرف‌کنندگان و تولیدکنندگان) را در مبادی تولید و فروش و ارائه خدمت اولیه به عنوان مالیات بر مصرف با درج در صورتحساب فروش از خریداران آنها دریافت و حداکثر ظرف مدت یک ماه به حسابی که به همین منظور توسط خزانه‌داری کل کشور تعیین می‌شود واریز نمایند. حکم این بند در سال ۱۳۷۶ جایگزین بند ۲ ماده ۱۳ قانون تشکیل شوراهای آموزش و پرورش در استانها، شهرستانها و مناطق کشور مصوب سال ۱۳۷۲ می‌گردد. کالاهای و خدماتی که مصرف عمومی دارند و مورد نیاز طبقات کم درآمد جامعه نیز می‌باشند از مالیات موضوع این بند معاف هستند. فهرست کالاهای و خدمات مزبور به تصویب هیأت وزیران می‌رسند. به دولت اجازه داده می‌شود عوارض و عواید موضوع بندهای ۳ و ۴ ماده ۱۳ قانون تشکیل شوراهای آموزش و پرورش در استانها، شهرستانها و مناطق کشور مصوب ۱۳۷۲ را در سال ۱۳۷۶ دریافت و به حسابی که به همین منظور توسط خزانه‌داری کل تعیین می‌شود واریز نماید...  
حال ماده ۱۳ قانون تشکیل شوراهای آموزش و پرورش را مرور می‌کنیم.

ماده ۱۳- منابع مالی شوراهای مناطق برای هزینه‌های جاری و عمرانی عبارتند از: ۱- سهم منطقه از اعتباراتی که در بودجه جاری و عمرانی سالانه دولت که براساس تعداد دانش‌آموزان برای هنر استان پیش‌بینی می‌گردد، ۲- یک درصد از بهای فروش کالا و خدمات کارخانه‌ها و مؤسسات خدماتی و تولیدی استان که از طریق شورای استان میان مناطق توزیع می‌شود، ۳- تا پنج درصد عوارض صدور پروانه‌های ساختمانی، تفکیک زمینها، پذیره و نوسازی علاوه بر عوارض مذکور را که شهرداریها دریافت می‌کنند، ۴- عواید حاصل از فروش ساختمانها و زمینهای بلااستفاده و نیز ساختمانها و زمینهای دیگر که در اختیار آموزش و پرورش است و می‌توان آنها را با توجه به نیازهای آموزش و پرورش تبدیل به احسن نمود...

ملاحظه می‌شود که در لایحه بودجه ۱- عوایدی که میزان وصول و محل مصرف آن به موجب یک قانون ویژه و در راستای مشارکت عمومی در آموزش و پرورش مشخص شده طی چند پاراگراف به درآمد عمومی کشور منتقل می‌شود (گو این که در قانون

تشکیل شوراهای آموزش و پرورش واریز این وجوه به حساب خزانه پیش‌بینی شده لیکن تخلیط این دریافتی‌ها با دریافتی‌های سازمان حمایت، شیوه تخصیص وصولی‌ها برای مصارف گوناگون و مواردی دیگر از این قبیل قابل توجه است). ۲- درصدهای پیش‌بینی شده در قانون (یک درصد فروش کالا و خدمات...) به دو درصد تغییر کرده، ۳- کالاهای وارداتی را نیز مشمول پرداخت چنین وجوهی کرده‌اند. ۴- حتی عنوان آن را تغییر داده و «مالیات بر مصرف» گذاشته‌اند، ۵- اختیار مستثنی کردن برخی کالاهای مورد مصرف طبقات کم‌درآمد هم در يد دولت قرار می‌گیرد، بدون آنکه حتی طبقه‌بندی کلی این کالاها مورد اشاره قرار گیرد، و نمایندگان مردم کمترین ذهنیتی در این مورد داشته باشند.

بدین قرار اگر این قسمت از لایحه بودجه سال ۱۳۷۶ کشور بدون تغییر تصویب شود، مردم ایران سال آینده با یک پرداختی جدید دو درصدی تحت عنوان «مالیات بر مصرف» مواجه خواهند بود. یعنی جز برخی اقلام که بعداً مشخص خواهد شد، مردم برای خرید تمام کالاهای مصرفی (چه تولیدی، چه خدماتی) چه ساخت داخل و چه وارداتی) ناگزیرند دو درصد بپردازند.

### دریافتی‌های دیگر

می‌دانیم که طبق تبصره ۱۹ قانون برنامه پنجساله دوم از نخستین ساعت سال ۱۳۷۶ مسیالقی که در خوش بینانه‌ترین فرض حدود ۲۰ درصد می‌شود بر قیمت بنزین، نفت سفید، نفت گاز، نفت کوره، گاز، برق و آب افزوده می‌شود. بهای خدماتی نظیر پست و تلفن، اتوبوسرانی شهری، حمل و نقل بار و مسافر و... نیز یا مستقیماً افزایش می‌یابند، و یا غیرمستقیم تحت تأثیر این افزایش‌ها قرار خواهند گرفت.

اما دریافتی‌های دولت (چه مستقیم و چه غیرمستقیم) به همین موارد محدود نمی‌شود. در جای جای این لایحه، و در مینانه تبصره‌ها انواع دریافتی‌ها از تولیدکنندگان، واردکنندگان و مصرف‌کنندگان پیش‌بینی

شده است که توجه به آنها می‌تواند میزان تورم تقریبی سال آینده را ترسیم کند. برخی از دریافتی‌های سابق (نظیر ۵۰۰ ریال از هر کنتور برق برای صدا و سیما) در سال آینده هم برقرار خواهد بود. یا مثلاً طبق بند ب از تبصره ۵ وزارت امور اقتصادی و دارائی موظف است در سال ۱۳۷۶ ما به التفاوت قیمت کالاهای موضوع بند ۱۰ ماده ۱۷ اساسنامه سازمان حمایت مصرف‌کنندگان و تولیدکنندگان را با رعایت مقررات مربوط از تولیدکنندگان و یا واردکنندگان و یا فروشندگان کالا وصول و به حساب درآمد عمومی کشور واریز نماید».

می‌دانیم این وصولی‌ها (مثلاً یک میلیون تومان از هر دستگاه پیکان) با این هدف دریافت می‌شود و می‌شود که باصطلاح بخشی از هزینه پرداخت سوبسید به کالاهای اساسی را تأمین کند. اما برخی از اقلام جدیدی که وصول آنها در سال ۱۳۷۶ به وسیله وزارتخانه‌های مختلف پیش‌بینی شده از این قرار است:

شرکت مهندسی آب و فاضلاب: ۵۵ درصد علاوه بر نرخهای مورد عمل سال ۱۳۷۶ از مصرف‌کنندگان آب شرب شهرهایی که طرحهای فاضلاب در آنها

## شرکت سکو ایران



تحت لیسانس کارخانجات سکو ایتالیا

### تولیدکننده:

پروفیل، در، پنجره، پارتیشن، نمای شیشه‌ای، سقف کاذب و نرده، از سیستم پیش ساخته و پیش رنگ شده

دفتر مرکزی: تهران، خیابان ویلی

شمالی، شماره ۲۶۴، ساختمان سکو

تلفن: ۸۸۰۱۸۱۷ - ۸۹۳۸۶۶ - ۸۹۶۶۷۸

۸۸۰۱۹۰۳ - ۸۹۴۹۵۶

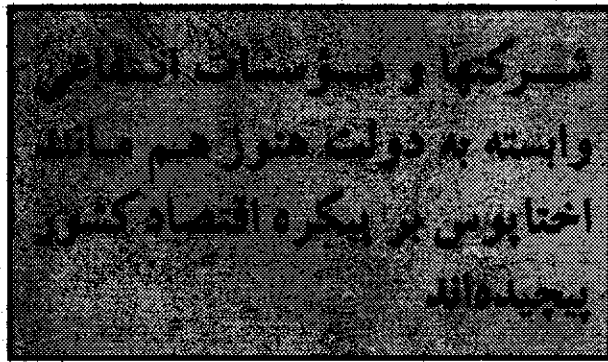
تلکس: SEIR ۲۱۴۳۲۷ فاکس: ۸۸۰۲۵۰۰

اجرا می‌شود. وزارت جهاد سازندگی: به ازاء هر قطعه جوجه یکروزه تولیدی مزارع مرغ مادر دو درصد ارزش روز آن بابت صدور یا تجدید پروانه چرای هر رأس دام ۱۰۰ ریال به ازای هر کیلو دان وارداتی ۵ ریال معادل یک درصد قیمت تمام شده واردات داروهای دامی و قیمت فروش واکسنها و سموم دامی تولید داخل - ده ریال بابت بازرسی بهداشتی هر کیلو گوشت از کشتارگاههای دام و طیور، نیروی انتظامی: ۱۵ هزار ریال برای

تعویض پلاک هر خودرو و حداقل یک و حداکثر سه هزار ریال برای صدور برگ معاینه هر خودرو، وزارت ارشاد اسلامی: افزایش ده درصد دریافتی‌های خود از محل قیمت آگهی‌های تابلوهای تبلیغاتی تجارتنی شهری و مطبوعات، وزارت نیرو: افزایش ۶ ریال به هر متر مکعب آب مصرفی زراعی تحویلی از سدهای مخزنی و انحرافی، وزارت دارائی (گمرک): افزایش دریافتی بابت هر نخ سیگار وارداتی از ۵ ریال به ۷ ریال، وزارت کشاورزی: دریافت ۱/۵ ریال از هر کیلو گندم خریداری شده از کشاورزان. از این قبیل افزایشهای آشکار و پنهان در تبصره‌های لایحه بودجه فراوان می‌توان یافت.

### ترکیب درآمدها و ارزش دلار

از هفتاد و چهار هزار و نه میلیارد ریال درآمد دولت پیش‌بینی شده دولت در سال ۷۶ بیست و پنج درصد آن از محل درآمدهای مالیاتی، چهل و یک درصد از محل درآمد فروش نفت و سی و چهار درصد از محل سایر درآمدها تأمین خواهد شد. می‌بینیم که سهم صوری اتکالی بودجه بر درآمدهای نفتی چهل و یک درصد است. اگر این درآمد براساس هر دلار معادل یکصد و هفتاد و پنج تومان محاسبه شده باشد، می‌توانیم گفت با یک رقم واقعی مواجه هستیم، اما اگر قرار باشد بخشی از فصل (سایر درآمدها) با فروش ارز به قیمت ۳۰۰ تومان - و بیشتر - تأمین شود ناگزیریم بپذیریم سهم واقعی نفت در تأمین درآمدهای بودجه ۷۶ بیش از درصد ذکر شده در فوق است. در سالهای اخیر نیز چنین عمل شده است. یعنی در واقع تفاضل بین قیمت بهای شناور دلار (۱۷۵ تومان) با قیمت فروش آن به بخشهای دولتی و خصوصی (حداقل ۳۰۰ تومان) بخش مهمی از درآمدهای دولت را تأمین کرده است. این نحوه محاسبه سهم درآمدهای دولت از محل فروش نفت مشابه مکانیسمی است که برای کسری نداشتن بودجه، و متوازن نشان دادن درآمدها و هزینه‌ها بکار رفته است؛ بدین ترتیب که طی سالهای اخیر برای آنکه بودجه متعادل و بی‌کسری جلوه داده شود، روش استقراض مستقیم دولت از بانک مرکزی و



نیز بر همین منوال اصلاح شود، قیمت رسمی دلار برای سال ۱۳۷۶ باید در حدود ۵۷۰۰ ریال تعیین می‌شد... در توجیه تثبیت اداری نرخ ارز، معمولاً به نقش افزایش نرخ رسمی ارز در نرخ تورم اشاره می‌شود، اما اولاً یک تورم بالا اما واقعی، به هر حال بهتر از پنهان ساختن و به تعویق افکندن آن در لابلای انبوهی از سیاستهاست که جز افزودن بر قیمت تمام شده محصولات و افزایش اتلاف منابع ملی و دشوار ساختن اصلاحات بعدی

ثمری ندارد و ثانیاً تورم حاصل از افزایش نرخ ارز اگر تورمی از این بابت باشد، با افزایش تولید و بهره‌وری ضایعات، در کوتاه مدت جبران می‌شود (همشهری ۷ و ۸ آذر ۱۳۷۵)

تحلیل کارشناس روزنامه همشهری بسیار مفصل‌تر، و ناظر بر اثرات منفی مصنوعی پائین نگه داشتن قیمت ارز بر تولید و اقتصاد ملی است. این نکته که چسب‌ها در یک روزنامه مدافع سیاستهای اقتصادی دولت به قیمت ۵۷۰ تومانی دلار به عنوان قیمت واقعی اشاره می‌شود نیز مورد نظر این تحلیل نیست و اگر به آن اشاره شد بدین خاطر است که ثابت شود ارقام و جداول بودجه سال ۷۶ و سالهای اخیر و نیز مضامین تبصره‌ها بیانگر اهداف و واقعیات نیستند و استناد و اتکا به آنها نمی‌تواند ما را به درک درستی از پیامدهای اجرایی تبصره‌های چنین بودجه‌هایی رهنمون شود. از سوی دیگر استدلال‌های مورد استناد در تحلیل فوق مؤید این واقعیت هم هست که متوازن کردن بودجه طی سالهای اخیر ناشی از همان نوع بیلابندی و صورت حساب نویسی در زمینه اقتصاد کشور است که تحلیل‌گر «همشهری» گوشه‌ای از آن را نمایانده است.

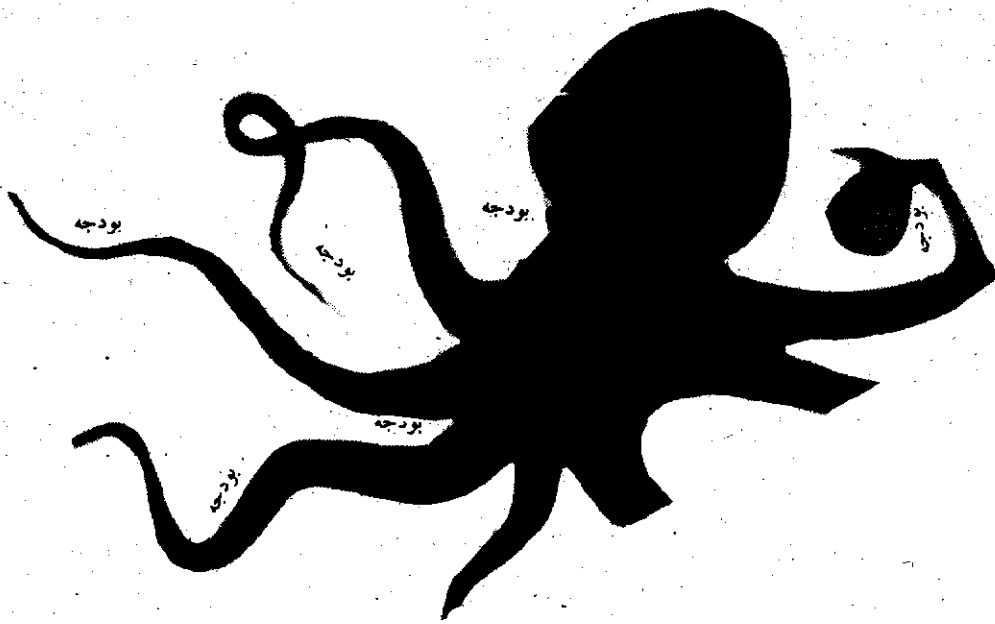
در همین مقطع است که می‌توان گفت گمانه‌زنی در مورد میزان تورم در سال آینده با اتکا بر رشد آمار درآمدها و هزینه‌های دولت و دستگاههای تابعه امکان‌پذیر نیست. داوری در این مورد هنگامی میسر خواهد شد که بتوانیم از اصول ناتوشته‌ای که در مقاطع مختلف از سوی سازمانهای دولتی برای تأمین نیازهای مالیشان اجرا می‌شود آگاهی کامل داشته باشیم.

لازم است به عنوان شاهد، نمونه‌هایی را ذکر کنیم: در سال جاری، همچون سالهای گذشته بهای برخی کالاها و خدمات افزایشی خارج از مصوبات قانونی یافته است. مثلاً قیمت قند و شکر از حدود کیلویی ۱۱۰ تومان به حدود ۱۸۰ تومان افزایش یافته، قیمت شیر و برخی مواد غذایی مشمول یارانه فرونی گرفته، و کسی نمی‌داند دلیل افزایش دوباره ارقام صورت حسابهای برق و آب چیست؟! توجیهی عمیق به

سیستم بانکی کشور به روش استقراض غیرمستقیم و فروش ارز تغییر کرده است. به عنوان مثال دولت تأمین اعتبارات در بخش‌های مختلف را بر عهده شبکه بانکی گذارده و خود باز پرداخت آن را متعهد شده است. و روشهای دیگری که از حوصله این تحلیل خارج است.

اما نکته حساسی در زمینه قیمت ارز (که محل عمده تأمین آن فروش نفت است) وجود دارد که از سوی یک روزنامه مدافع سیاستهای دولت مطرح شده است. روزنامه همشهری در دو سرمقاله خود این موضوع را مورد بررسی قرار داده و از جمله نوشته است:

«یکی از نکات جالب و مهم لایحه بودجه سال ۱۳۷۶ کل کشور، ثبات قیمت رسمی ارز در آن است. از آنجا که هم اقتصاد ایران و هم بودجه دولت و کل کشور هنوز وابستگی قابل توجهی به ارز و تحولات آن دارند، این ثبات تأثیرات مهمی بر ساختار بودجه و کل اقتصاد ملی و سمت و سوی آن در سال آینده به جای می‌گذارد... نخستین اثر ثابت نگاه داشتن قیمت ارز، همین دگرگونی در جلوه‌های آماری است که کمترین پیامد منفی آن، تغییر دادن و پنهان ساختن واقعیتهای است، در این صورت و در حالی که واقعیتهای به گونه‌ای دیگر نمایانده می‌شوند، شمار تصمیماتی که اهداف را تحقق بخشند اندک نخواهد بود. مثلاً اگر ۱۷/۷ میلیارد دلار درآمد نفتی پیش‌بینی شده برای سال آینده تماماً به نرخ ۳۰۰۰ ریال محاسبه شود سهم درآمد نفتی در درآمدهای دولت از ۴۱ درصد به ۵۵ درصد خواهد رسید، زیرا این نرخ اکنون ۱۷۵۰ ریال در لایحه محاسبه شده است. همین نرخ اگر به ۴۰۰۰ ریال افزایش یابد، آنگاه جمعاً ۶۲ درصد از کل درآمدهای دولت را صادرات نفت خام تشکیل خواهد داد که البته به واقعیت بسیار نزدیکتر است... اما شاید مهمترین پیامد منفی تثبیت اداری نرخ ارز، علامت نادرستی است که از خلال آن به اقتصاد ملی داده می‌شود. ظرف سالهای ۱۳۷۴ و ۱۳۷۵ سطح عمومی قیمتها مطابق اسناد بانک مرکزی حدود ۹۰ درصد افزایش داشته و اگر بنا بود که قیمت رسمی ارز



بخشی از بند ب ماده واحده لایحه بودجه سال ۷۶ می‌تواند به فهم این بخش از تحلیل کمک کند. در این بخش آمده است:

به مجامع عمومی یا شوراها یا عالی شرکتها و بانکها و مؤسسات انتفاعی وابسته به دولت مندرج در قسمت ششم این لایحه اجازه داد می‌شود ارقام مربوط به بودجه سال ۱۳۷۶ شرکت و مؤسسات انتفاعی ذریع مندرج در قسمت ششم این لایحه را براساس سیاستهای دولت، تصمیماتی که برابر اساسنامه یا قانون تشکیک شرکتها و مؤسسات یاد شده مجاز به اتخاذ است و یا در صورت فراهم شدن موجبات افزایش تولید و یا سایر فعالیت‌های اصلی شرکت یا مؤسسات انتفاعی مربوط و یا بنا بر مقتضیات ناشی از نوسان قیمتها و یا به تبع سایر تحولات اقتصادی و مالی و با رعایت مقررات اساسنامه مورد عمل تغییر دهند، مشروط بر آنکه این تغییر اولاً موجبات کاهش ارقام مالیات و سود سهام دولت پیش‌بینی شده در قسمت یاد شده را فراهم ننماید، ثانیاً میزان استفاده شرکت یا مؤسسه انتفاعی مربوط از محل بودجه عمومی دولت را افزایش ندهد...

دیوان محاسبات مندرج در صفحه ۱۵ شماره ۵۸ هجری قمری پنجاه و نه و شش دهم میلیارد ریال می‌باشد که ۶۳ درصد از بودجه کل کشور از حیث درآمدها و هزینه‌ها را به خود اختصاص خواهد داد. کل

از سوی دیگر، با تغییر سیاستهای اقتصادی

کشور، و سرلوحه قرار گرفتن شعار آزادسازی اقتصادی از سال ۱۳۶۸ به این سو، و خصوصاً پس از تصویب قانون دومین برنامه پنجساله اقتصادی-اجتماعی و فرهنگی کشور مقرر شد دولت خود را از شر این شرکتها حتی الامکان برهاند و آنها را به بخش خصوصی واگذار کند، و یا سهامشان را در اختیار کارگران و کارمندان همین شرکتها قرار دهد. با این سابقه، و با توجه به اخباری که در دو ساله اخیر راجع به فروش یا واگذاری شرکتها و مؤسسات انتفاعی دولتی خوانده‌ایم قاعدتاً می‌باید حضور این شرکتها و مؤسسات را در بودجه سال ۱۳۷۶ کم رنگ‌تر مشاهده کنیم؛ اما برخلاف این تصور می‌خوانیم که:

«در سال ۱۳۷۶ بودجه شرکتهای دولتی، مؤسسات انتفاعی وابسته به دولت و بانکها بکصد و هفده هزار و

این بخش از بند ب ماده واحده را چگونه باید تعبیر و تفسیر کرد؟ جز این است که به این شرکتها مجوز تعدیل نرخ کالاها و خدمات پیشاپیش اعطا شده است؟ این شرکتها مجاز خواهند بود به شرط ۱- عدم کاهش میزان مالیات و درآمد دولت، و ۲- بیشتر مطالبه نکردن از بودجه دولت، ارقام بودجه تخصیص یافته را تغییر دهند (مثلاً میزان درآمد خود را افزایش دهند). نیاز به توضیح نیست که صدور مجوزی تا این حد کلی به شرکتها و مؤسسات یاد شده تا چه حد دست مدیران آنان را در تصمیم‌گیریهایی که می‌تواند سبب افزایش قیمتها شود باز می‌گذارد. اهمیت این بند وقتی مشخص‌تر می‌شود که بدانیم این شرکتها و مؤسسات آنقدر حجیم و متعدد هستند که قسمت اعظم بودجه کل کشور را از حیث درآمدها و هزینه‌ها به خود اختصاص داده‌اند. (در قسمت بعد به ارقام مربوط اشاره خواهیم کرد)

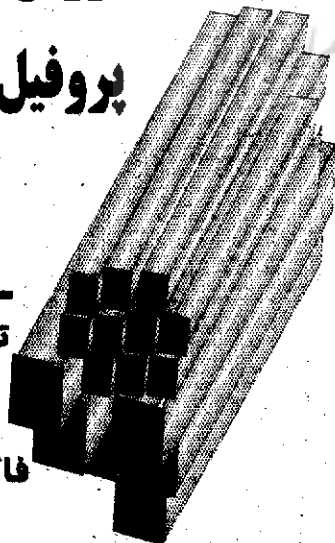
### چاهای ویل: افزایش یا کاهش؟

در مورد شرکتهای دولتی همواره این داوری‌ها مطرح بوده است که: این شرکتها غالباً زیان‌ده هستند، سربار بودجه کشورند، از عوامل مؤثر ناهنجاریهای اقتصادی محسوب می‌شوند، حجم عظیمی از کسری‌های سالانه بودجه کشور به این شرکتها مربوط بوده است، از علل حجیم شدن ساختار اداری کشورند، به کسی حساب پس نمی‌دهند، از پرداخت مالیات طفره می‌روند و... (بنگرید به گفته‌های رئیس

## آهن استقلال

بورس قوطی

پروفیل ساختمانی



تلفن: ۵۶۰۶۴۷۷

۵۶۰۴۱۰۷

فاکس: ۵۶۰۷۱۲۵



سرمایه گذاری توسط اینگونه مؤسسات در سال آینده بیش از سی و سه هزار و نهصد و شصت و چهار و دو دهم میلیارد ریال خواهد بود که حدود ۲۷/۸ درصد از منابع بودجه عمومی و بقیه از منابع داخلی و یا استفاده از تسهیلات سیستم بانکی تأمین خواهد شد.

همچنین می‌خوانیم که در لایحه بودجه سال ۱۳۷۶ بودجه ۱۳ شرکت جدید گنجانده شده و فقط بودجه ۴ شرکت که در سالهای قبل در توابع بودجه منظور می‌شده، حذف گردیده است.

بدین قرار لایحه بودجه سال ۱۳۷۶ ما را در برابر این واقعیت قرار می‌دهد که اصول «خصوصی‌سازی» و «کاستن از حجم دولت» نه تنها تحقق نیافته، بلکه عکس آن اتفاق افتاده است، زیرا عملاً ۹ شرکت جدید بر تعداد شرکتی که در بودجه سال قبل هم مقرر شده بود از «منابع بودجه عمومی» و «تسهیلات سیستم بانکی» استفاده کنند، افزوده شده است.

این شرکتها و مؤسسات همان‌هایی هستند که در فرازی از بند ب ماده واحده لایحه بودجه ۱۳۷۶ به آنها اجازه داده شده ارقام بودجه تخصیص داده شده را تغییر دهند (به شرحی که در سطور بالا ذکر شد)

ظاهراً تعداد شرکتها و مؤسساتی که در لایحه بودجه منظور شده‌اند حدود ۴۲۰ شرکت است، در حالی که گفته می‌شود تعداد شرکتهای دولتی و مؤسسات انتفاعی وابسته به دولت بسیار بیشتر است؛ عددی متغیر بین ۷۱۷ تا ۲۵۰۰ شرکت (روزنامه رسالت پنجشنبه ۸ آذر ۷۵ صفحه آخر - مقاله «شرکت‌های دولتی و بودجه»).

این نکته قابل ذکر است که سهام دولت در بسیاری از این شرکتها صد در صد نیست و لذا نمی‌توان آنها را در ردیف شرکتها و مؤسسات انتفاعی دولت قرار داد؛ اما بهر تقدیر حضور دولت - با هر تعداد سهم - چنین شرکتی را در جایگاهی قرار می‌دهد که شرکت‌های بخش خصوصی در آن قرار ندارند. بسیاری از این شرکتها می‌توانند از رانت‌های اقتصادی و مدیریتی ویژه‌ای برخوردار باشند که شرکت‌های بخش خصوصی را یاری استفاده از آنها نیست.

در مورد شرکتی هم که نام آنها در لایحه بودجه آمده نکته اساسی این است که آنها از یک سو می‌توانند از منابع عمومی بودجه و تسهیلات بانکی (همان استقراض تغییر شکل یافته) استفاده کنند، و از سوی دیگر واجد این توانایی خواهند بود که هرگاه دولت بخواهد، یا خود بهر دلیل بخواهند، ارقامی را که مجلس شورای اسلامی در سرفصل درآمدها و هزینه‌هایشان تصویب کرده، مورد تغییر قرار دهند. از همه مهتر این نکته است که اصول آزادسازی اقتصادی و روح قانون برنامه دوم حکم می‌گذرد که برای



تغییر نیافتن ارقام لایحه بودجه (۷۶) مبلغ ۱۸۰۲۵ میلیارد ریال دیگر وام دریافت کنند، و فقط ۱۳۲۷۷ میلیارد ریال از دیون خود را بپردازند! از ۱۸۸۴ میلیارد ریال وام خارجی نیز فقط ۱۲۳۵ میلیارد ریال آن قرار است بازپرداخت شود. برخی ارقام مؤید این است مؤسسات و شرکت‌های مورد بحث برای باز پرداخت وام‌های داخلی و خارجی خود در سال آینده مجموعاً ۵۴۴۱ میلیارد ریال کسری دارند! اصولاً یکی از پرسش‌های مهم برای مجلس پنجم می‌تواند این باشد که چرا

علی‌رغم گذشت ۸ سال از اجرای برنامه آزادسازی اقتصادی، هم حضور رسمی و هم حضور نامرئی شرکت‌هایی که در پناه دولت قرار دارند و اقتصاد ایران را به صورت یکی از متمرکزترین، و در عین حال آشفته‌ترین اقتصادها در آورده‌اند نیز موند و پررنگ‌تر از گذشته شده است. چنان نیرومند و پررنگ که اصل ساختارهای اقتصادی کشور را تحت الشعاع قرار داده‌اند!

مروری بر بخشی از سخنان اخیر رئیس سازمان بازرسی کل کشور واقعیت‌های ناخوشایند وجود این شرکتها را نمایش می‌دهد.

● هم اکنون در قانون بودجه فقط به شرکت‌های مهم دولتی مثل شرکت ملی نفت، گاز، پتروشیمی و ذوب آهن اشاره می‌شود ولی همین شرکتها [هم] در برخی از موارد خودشان را از شمول قانون محاسبات مستثنی می‌کنند... ما در حال حاضر نمی‌توانیم برای شرکت‌هایی که اسماً دولتی نیستند ولی رسماً دولتی هستند، تعیین تکلیف کنیم، زیرا وقتی از این شرکتها سوال می‌شود، آنها می‌گویند ما دولتی نیستیم، ولی اعضای هیأت مدیره آنها همان مسئولین دولتی هستند.

● بعضی از شرکت‌های مادر دولتی در کنار خود تعداد زیادی شرکت اقماری ایجاد کرده‌اند. بطور مثال شرکت ذوب آهن اصفهان حدود ۵۰ شرکت اقماری تشکیل داده است و یا شرکت مخاربات بیش از ۷۰ شرکت اقماری دارد که کمتر از ۵۰ درصد سهام این شرکتها متعلق به دولت است و ما بقی سهام آن مربوط به بخش خصوصی که گاهی اوقات از کارکنان و مدیران همان دستگاه می‌باشند، هستند!

● ... به طور مثال فقط در مورد یک شرکت اقماری وابسته به یک شرکت بزرگ دولتی پس از بررسی متوجه شدیم سرمایه اولیه تشکیل این شرکت اقماری از ۸۰ میلیون ریال ظرف مدت چند سال به ۱۳۰ میلیارد ریال رسیده است. حال این سرمایه اسمی است که عنوان می‌شود ولیکن سرمایه واقعی این شرکت حداقل ۵۰۰ میلیارد ریال برآورد می‌شود. اگر به معاملات این شرکت اقماری توجه کنیم می‌بینیم این شرکت به صورت انحصاری با شرکت مادر معاملاتی داشته است بنابراین بخش عظیمی از ثروت

جلب مشارکت بخش خصوصی و کاهش از حجم دولت و زهابی از فشار تحمیلی شرکتها و مؤسسات انتفاعی دولت، ترتیب فروش یا واگذاری آنها داده شود. این کار تا حدودی هم انجام می‌شود، اما در نقطه مقابل شاهد تشکیل انواعی جدیدی از شرکتها در دل شرکت‌های موجود، و یا در کنار وزارتخانه‌ها هستیم. می‌توان به تأسیس صدها شرکت سرمایه‌گذاری از طریق بانکها (مؤسساتی که دولتی هستند) و نیز شرکت‌های اقماری دستگام‌های دولتی اشاره کرد. شرکت‌های برق و آب و فاضلاب به شرکت‌های منطقه‌ای متعدد با بودجه و هیأت مدیره‌ها و حساب و کتاب جداگانه تکثیر می‌شوند. وزارتخانه‌ها برای ارائه خدمات عادی و جاری و یا خدمات جدید شرکت‌های اقماری جدید تشکیل می‌دهند، و اینها شرکت‌هایی هستند که خود را از حساب پس دادن هم معاف می‌دانند؛ به گفته آقای رخشنده رو رئیس دیوان محاسبات کشور: «شرکت‌هایی که از طریق سرمایه‌گذاری بانکها تأسیس شده‌اند یا می‌شوند و تعدادشان رو به افزایش است خود را دولتی نمی‌دانند. از طرف دیگر شرکت‌هایی که از طریق وزارتخانه‌ها تأسیس شده‌اند نیز خود را به سختی با ماده ۴ قانون دیوان محاسبات [ناظر بر حسابرسی] تطبیق می‌دهند.» روزنامه ابرار - ۱۰ آذر ۷۵

- مجموع این واقعیات ایجاب می‌کند مجلس شورای اسلامی برای جلوگیری از ادامه یک روند ناسالم که معلوم نیست در آینده چه عوارض سوئی بر اقتصاد کشور و ساختار اداری آن می‌گذارد در تصویب تبصره‌ها و ارقام مربوط به شرکت‌های دولتی، بانکها و مؤسسات انتفاعی دولتی توجیهی ویژه مبذول کند. اهمیت این بذل توجه هنگامی آشکار می‌شود که در نظر داشته باشیم این شرکتها و مؤسسات اولاً بخش عظیمی از قدرت اقتصادی کشور را به خود اختصاص داده‌اند، ثانیاً پوششی هستند برای نادیده ماندن کسری بودجه. یک آمار حاکمی است بدهی شرکتها و مؤسسات دولتی به بانکها در سال ۱۳۷۴ مبلغ ۳۱۲۸/۴ میلیارد ریال دیگر افزایش یافت و به رقم ۷۸۸۲/۲ میلیارد ریال رسید. همین شرکتها و مؤسسات انتفاعی وابسته به دولت قرار است در سال آینده (و در صورت

این شرکت اقماری به صورت واقعی به شرکت مادر که تماماً دولتی است تعلق دارد، ولیکن دولت هیچ اختیاری بر روی ثروت این [اقبیل] شرکت [ها] که کم هم نیست ندارد... هم اکنون تعداد زیادی از شرکتهای تولیدی دولتی فروش کالا و یا خدمات خود را از طریق یک شرکت اقماری وابسته انجام می دهند، بنابراین سودی را که باید دولت کسب کند، این شرکتها می برند. [از مصاحبه حجت الاسلام سید ابراهیم رئیسی با روزنامه رسالت ۱۲ آذر ۷۵]

## پرداخت دو درصد تحت عنوان «مالیات بر مصرف» در لایحه قانون بودجه سال ۱۳۷۶ از مواردی است که باید مورد توجه نمایندگان قرار گیرد

هزینه های ساخت را افزایش داد و قیمتها را به جانی رساند که اینک خیلی از کسانی که می توانستند سال گذشته در همین مواقع با پولی که اینک در اختیار دارند یک واحد مسکونی ۶۰-۷۰ متری بخرند، اکنون از این کار عاجزند!

اجرای پروژه های پرمهرینه شهری، و به ویژه در شهرهای بزرگ نیز جز تکرار یک دور باطل ثمری نخواهد داشت. شهرهای بزرگ و شهرک های اقماری آنها غول آساز می شوند و سنگینی هزینه نامین خدمات آنها بیشتر از گذشته برگردد اقتصاد کشور فشار وارد می کند؛ بنابراین

واقعاً به صلاح اقتصاد کشور است که سهم اعتبارات عمران شهری و مسکن (مسکن از نوعی که در دو سال اخیر شاهد ساخت آنها بوده ایم) ۷۵ درصد رشد کند؟ اهداف ساخت مسکن را می توان از خلال تبصره ۵۲ بودجه درک کرد:

«به منظور پرداخت تعهدات انجام شده از سوی دولت براساس تبصره ۵۴ بودجه سال ۱۳۷۲ و تبصره ۵۲ قوانین بودجه سالهای ۱۳۷۳، ۱۳۷۴ و ۱۳۷۵ و تأمین مابه التفاوت سود و کارمزد تسهیلات بانکی در بخش مسکن حمایت شده الگوی مصرف مسکن مصوب شورای عالی تعیین الگوی مصرف و کمک به سرمایه گذاری در امر مسکن اجتماعی (مسکن اجاره ای و اجاره های به شرط تملیک) و بهسازی مسکن روستائی و اوراق مشارکت مسکن و کمک به احداث تأسیسات زیربنائی در شهرهای جدید و آماده سازی در قالب مسکن حمایت شده تا مبلغ سیصد و سسی میلیارد ریال در اختیار وزارت مسکن و شهرسازی قرار گیرد و...»

ملاحظه می شود در مقابل نیاز بسیار بالای کشور به ساخت مسکن انبوه و ارزان فقط ۳۳ میلیارد تومان اعتبار برای وزارت مسکن و شهرسازی پیش بینی شده است. این رقم البته شامل تسهیلات اعتباری برای

برخوردار است یا رشد هزینه های عمرانی لازم تر بوده است؟

در این که در بخش مسکن با کمبود شدید مواجه هستیم و این بخش نیاز به سرمایه گذاری های عظیم دارد جای بحثی نیست. اما باید در عمل دید سرمایه گذاری در این بخش به چه مصارفی می رسد؟ تجربه سالهای ۷۴ و ۷۵ نشان داده است بیشترین اعتبارات و امکانات اختصاص یافته به این بخش صرف احداث بناهای لوکس و آسمانخراش های گران قیمت شده است. سهم ساخت انبوه مسکن و بناهای مسکونی ارزان قیمت ناچیز است. نتیجه این سیاست آن شده که در شرایط کنونی و با وجود صدها میلیارد تومان سرمایه گذاری در تولید ساختمان، اکنون بازار خرید و فروش واحدهای مسکونی و تجاری با رکود شدیدی مواجه است. چرا؟ زیرا در این دو ساله امکانات و اعتبارات بخش ساختمان به جای آنکه به سمت احداث مسکن انبوه و ارزان هدایت شود به طرف ساخت و سازهای لوکس و غیر ضروری سوق داده شد. بساز و بفروشی مدرن جای فعالیت سالم در تهیه واحدهای مسکونی (و تجارتمی متعارف) را گرفت. این روند نه تنها موجب جذب بیشترین قسمت اعتبارات به ساخت و سازهای غیر ضروری

### بودجه عمرانی و پروژه های ناتمام

در ابتدای این تحلیل ذکر شد رشد هزینه های عمرانی در سال ۷۶ کمتر از ۲۹ درصد پیش بینی شده که در مقابل رشد مثلاً ۷۵ درصدی مسکن و عمران شهری، و ۵۰ درصدی فرهنگ و هنر ناچیز است.

روح برنامه های توسعه، و از جمله برنامه دوم توسعه جمهوری اسلامی را سلزندگی، ایجاد تأسیسات صنعتی و کشاورزی با هدف ایجاد اشتغال و ارزش افزوده، کاستن از حجم واردات و افزایش صادرات تشکیل می دهد. بدین لحاظ حیرت انگیز نیست هزینه های عمرانی در لایحه بودجه سال آینده کمترین رشد را در مقایسه با هزینه سایر بخشها داشته باشد؟ در واقع تکیه این لایحه بیشتر بر هزینه های اجتماعی و کمتر بر هزینه های عمرانی است.

جمع هزینه های عمرانی در لایحه بودجه سال آینده ۲۹۱۰۸ میلیارد ریال ذکر شده است. به قرار اطلاع در سال آینده ۱۶۱ پروژه جدید عمرانی به مرحله اجرا گذاشته خواهد شد و اگر تعداد نامعلومی از پروژه های نیمه تمام گذشته را به این تعداد بیفزائیم، در مقابل این پرسش قرار خواهیم گرفت رشد ۷۵ درصدی اعتبارات مسکن و عمران شهری و رشد ۵۰ درصدی هزینه های فرهنگ و هنر از اولویت

**بھی تراپر**  
**شرکت حمل و نقل بین المللی**  
**«با مسئولیت محدود»**

نشانی: تهران، خیابان طالقانی، بین ولیعصر و حافظ، شماره ۱۶۵، طبقه ۲، شماره ۷

تلفن: ۶۲۰۷۱۳۸ - ۶۲۹۳۳۶۵ - ۶۲۰۶۶۷۸

**سیتی زن**  
**CITIZEN**

هنگام دیدار از جزیره زیبای کیش از نمایشگاه های ساعت سیتی زن دیدن فرمایید.

خرید یا احداث مسکن جانبازان، خانواده شهدا و آزادگان، تسهیلات مورد نیاز وام مسکن بهسازی، مسکن روستائیان و بهروزان مقیم روستاها نیز می‌شود.

در همین تبصره آمده است: «دولت مکلف است در توزیع اعتبارات بانکی بخش مسکن و ساختمان علاوه بر تعیین سهم مسکن روستائی، بیست و پنج درصد از سهم اعتبارات بانکی بخش مسکن را برای تعاونی‌های مسکن اختصاص و در اختیار وزارت تعاون قرار دهد.»

و این بدان معنا است که فقط یک چهارم از اعتبارات بانکی تخصیص یافته برای بخش مسکن به تعاونی‌های مسکن که می‌توانند از عمده‌ترین سازندگان اماکن مسکونی ارزان برای طبقات فاقد مسکن باشند اختصاص یافته است. بقیه این اعتبارات باز هم صرف ساختمانهای بناهای لوکس و برج‌سازی نخواهد شد؟

در مجموع، می‌توان گفت لایحه بودجه سال ۱۳۷۶ عباتی ناکافی به طرح‌های عمرانی، ساخت مسکن انبوه و رفع تنگناهای موجود در این زمینه‌ها دارد.

## صنعت و کشاورزی

به همین قیاس، صنعت و کشاورزی هم از توجه کافی برخوردار نشده‌اند. مهم‌ترین تبصره در رابطه با صنایع تبصره ۴۹ است که بند الف آن صراحت دارد:

«به وزارت صنایع اجازه داده می‌شود از محل اعتبارات عمرانی طرح اعطای کمکهای فنی و تکنولوژی به صنایع و نمونه‌سازی ماشین آلات و تجهیزات صنعتی و تجهیزات الکترونیکی و طرح ایجاد و تجهیز مرکز آزمایش و تحقیق و استاندارد نمودن قطعات خودرو با شرکتهای، مؤسسات و کارگاههای دولتی و غیردولتی و اشخاص حقیقی که صلاحیت آنها از نظر کار مورد تأیید وزارت مزبور است، برای نمونه‌سازی ماشین آلات و تجهیزات صنعتی، ایجاد و تجهیز مرکز آزمایش و تحقیق و استاندارد نمودن قطعات خودرو قرارداد منعقد نماید و به جای دریافت ضمانتنامه بانکی جهت وجوه پیش پرداخت با اخذ سفته یا هر وثیقه دیگری مبلغ پیش پرداخت را به طرف قرارداد خود پرداخت نماید. وزارت صنایع می‌تواند رأساً یا از طریق نظام بانکی به این افراد، شرکتهای، مؤسسات و کارگاههای در مقابل اخذ وثیقه یا سفته وام به صورت قرض‌الحسنه پرداخت نماید.»

مهمترین تبصره در رابطه با کشاورزی نیز تبصره ۲ است که ناظر بر تخصیص اعتبار برای بهبود آبیاری تحت فشار و ایجاد و توسعه تعاونیهای تولید روستائی است: به موجب بند یک (الف) این تبصره یکهزار میلیارد ریال تسهیلات اعتباری، بدون اخذ وثیقه به اشخاص حقیقی و حقوقی اعطا می‌شود تا به مصرف

طرحهای آبیاری تحت فشار (بارانی قطره‌ای) برسد. (میزان این تسهیلات برای سال جاری یکهزار و دوست میلیارد ریال است). هفتاد سود و کارمزد این تسهیلات را دولت می‌پردازد.

در بند ۲ از قسمت الف این تبصره آمده است:

«به منظور ایجاد و توسعه، تجهیز و تکمیل و راه‌اندازی تعاونیهای تولید روستائی و اجرای طرحهای لازم در حوزه عمل این واحدها و همچنین طرحهای توسعه و احیاء منابع طبیعی و آبخیزداری بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران موظف است از طریق منابع نظام بانکی مبلغ دوست و بیست میلیارد ریال تسهیلات اعتباری بدون اخذ وثیقه با معرفی وزارت کشاورزی در اختیار شرکتهای مذکور و با معرفی وزارت جهاد سازندگی در اختیار متقاضیان ذریبط قرار دهد.»

پس پرداخت هفتاد درصد سود و کارمزد این تسهیلات را نیز دولت متعهد شده است.

بطور کلی، هم در مورد صنایع و هم کشاورزی برخی از مهم‌ترین مشکلات این دو بخش مولد در لایحه بودجه سال ۱۳۷۶ با سکوت پرگار شده است. مثلاً صنایع با مشکل تأمین ارز برای واردات مواد اولیه و قطعات یدکی و ماشین‌آلات مواجهند. ظاهراً رسیدگی به این قبیل مشکلات و حل و فصل آنها به مراحل اجرای عملی بودجه موکول شده است. مشابه سال جاری که وزیر صنایع در مقاطع مختلف تصمیمات اتخاذ شده برای تأمین نقدینگی مورد لزوم صنایع و با تخصیص ارز مورد نیاز آنها را اعلام می‌کرد. گرچه همین آقای وزیر صنایع بارها از عدم توجه به مشکلات صنایع و از جمله تنگنای نقدینگی گله کرده بود، اما در لایحه بودجه سال ۱۳۷۶ برای حل این مشکلات و رفع آن تنگناها به مورد قابل ملاحظه‌ای برخورد نمی‌کنیم.

در زمینه کشاورزی نیز امسال با کاهش تولید اقلیمی استراتژیک نظیر گندم و چغندر قند مواجه بوده‌ایم. و فروش یا صادرات برخی اقلام مانند خرما نیز با دشواریهای اساسی مواجه شده است. در لایحه بودجه راه کارهایی که به حل این قبیل مشکلات و مسائل مربوط باشد مشاهده نمی‌شود، فقط در تبصره ۲۷ می‌خوانیم که:

«در اجرای بند ۲ تبصره ۷۷ و تبصره ۷۹ قانون برنامه دوم بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران موظف است از محل منابع شبکه بانکی کشور، وجوه مورد نیاز جهت خریدهای تضمینی محصولات اساسی کشاورزی و دامی و تنظیم بازار محصولات کشاورزی و دامی را براساس مصوبات هیأت وزیران در نیمه اول سال ۱۳۷۶ تأمین و به ضرورت وام کوتاه مدت (تنخواه) در اختیار دستگاههای اجرایی ذریبط قرار دهد.»

## برخی نکات دیگر

بررسی تمامی تبصره‌های بودجه مجال و امکانات فراوانی طلب می‌کند که از عهده این تحلیل خارج است. برای پایان بردن این تحلیل فقط به برخی دیگر از نکات مهم این لایحه نگاهی گذرا می‌افزایم: از منابع بانکی کشور در زمینه‌های مختلف (از جمله مواردی که باید از اعتبارات جاری استفاده شود) استفاده شده است. از جمله به موجب بندهای ب و ط تبصره ۸ پرداخت به ترتیب صد میلیارد به صورت قرض‌الحسنه و تسهیلات برای تقویت تعاونی فرهنگیان و خرید کاغذ کتابهای درسی، و سیصد میلیارد ریال (به صورت قرض‌الحسنه با مشارکت سایر عقود اسلامی) برای احداث و تجهیز مدارس اختصاص یافته است، حال آنکه به نظر می‌رسد چنین هزینه‌هایی می‌باید از محل وصولی‌های هنگفت ناشی از اجرای قانون تشکیل شوراهای آموزش و پرورش تأمین شود!

فروش ماشین آلات سنگین مازاد برخی وزارتخانه‌ها و نهادها، فروش ساختمانهای دولتی-اجاره دادن محیطهای آموزشی، واگذاری و فروش تعدادی از طرحهای نیمه تمام و بسیاری موارد دیگر در این لایحه برای تأمین هزینه‌های دولت و دستگاههای تابعه آن پیش‌بینی شده است.

با این همه منابع متنوع درآمد، آیا می‌توان امیدوار بود دولت در میانه سال ۱۳۷۶ با کمبود منابع مالی مواجه نشود و برای تأمین آنها ناگزیر نباشد در صدد تأمین منابع مالی جدیدی برآید؟ کاری که طی سالهای اخیر بارها شاهد تکرار آن بوده‌ایم؟

\*\*\*

از هنگام تقدیم بودجه سال ۷۶ به مجلس شورای اسلامی تا زمانی که صفحات این شماره ماهنامه بسته می‌شد، فرصت اندکی بود. با این وجود، چون قصد داشتیم علاوه بر نقد لایحه بودجه سال آینده، اصول تهیه بودجه در ایران، ضعفها و کاستی‌های آن را نیز از دیدگاههای کارشناسی مورد بررسی قرار دهیم از کارشناسان ماهنامه خواهش کردیم هر کدام یکی از مقالات مرتبط با این موضوع را به شیوه‌ای ساده و با نثری که برای عموم خوانندگان ماهنامه قابل درک باشد مورد تحلیل قرار داده و راه‌حلهای مورد نظرشان را نیز ارائه کنند.

این همکاران محترم با وجود گرفتاریهای فشرده شغلی خود درخواست را بزرگووارانه اجابت کردند و مقالاتی پربار نوشتند که در صفحات بعدی چاپ شده است. از ایشان سپاسگزاریم و امیدواریم رحمتشان موجب تغییر و تحولی مثبت هم در جریان تصویب قانون بودجه سال ۱۳۷۶، و هم در زمینه شیوه بودجه‌نویسی در سالهای آینده شود.